



خیلواکی

استقلال

www.esteqalaal.net

جمعه ۰۹ فبروری ۲۰۲۴

انارگل خوستی

هی میدان و طی میدان، خار مگیلان

وقتی کودتای حزب منحلۀ نادیموکراتیک خلقی ها و پرچی های وطنفروش، کشور و مردم را به خاک و خون نشاند و حتی مکالمۀ عادی بین مردم به اشاره و پُس پُس صورت می گرفت. در آن وقت که من و خواهران و برادرانم اطفال به اصطلاح نیمچه بودیم، و از هیچ نوع سرگرمی برخوردار نبودیم، فقط خوشی و مصروفیت ما در همان زمان خون و باروت، یک شخص مهربان بود که خداوند بیمارزدش. آن شخص وقتی خانه ما می آمد و شب می شد، ماها که دیگر کدام سرگرمی نداشتیم، قیود شبگردی را بهانه کرده وی را نمی گذاشتیم که به خانۀ خود برود. این شخص مهربان شبانه برای ما افسانه می گفت و افسانه خود را طور ذیل آغاز می کرد:

هی میدان و طی میدان، خار مگیلان، سنگ ملامت، می زد و می آمد، تنبان فیل در پای پشه تنگ آمد، کشمش پندید، پُله ترکید تا که به یک جای رسید. و بعداً چنین ادامه می داد: بود نبود یک پادشاه بود و پادشاه ما و شما خداوند تعالی و ...

این مقدمۀ کوچک را به این دلیل نوشتم که هموطنی داریم به نام آقای ملکیار، که خدا یار جانشان، مانند همان شخص بسیار ساده و محترم، حتی قصه های خیالی خود را به مقدمۀ که همه بدانند که فقط قصه است، شروع نمی کند، چون برای من همه نوشته های شان افسانه های خود ساخته و خود بافته شخص خود شان می باشد.

آقای محترم می خواهند هرو مرو مشهور شوند. برای طلب شهرت راه هائی را که در پیش گرفته اند، راه های مناسب نیستند و از طرف دیگر تعداد زیادی از قلم بدستان بسیار ورزیده و ماهر وی را از این طریقۀ که برای مشهور شدن در پیش گرفته است، به گونه های متفاوت مانع شدند.

من با سواد کم و مختصریکه دارم کوشیدم وی را متوجه بسازم که جناب وطندار این راه که شما برای مشهور شدن در پیش گرفته اید خطا است، اما جناب شان ننتها گوش شنوا نداشتند، بلکه مرا نیز به باد ملامت گرفتند.

این هموطن ما جناب آقای ملکیار اول از تحقیقات خود در مورد قتل شهید میوندوال شروع نمودند، گرچه قاتل این شخصیت بزرگ وطن به همه معلوم و هویدا بود، با وجود آن هم مورد استقبال قرار گرفت، و روز افتتاحیه آرامگاه محترم میوندوال را شاهد بودم، که از طرف اشخاص مهم رژیم آن زمان، از جمله وزیر مطبوعات وقت سید مخدوم رهین صورت گرفت. ناگفته نباید گذاشت که در همین مورد هم محترم آقای ملکیار مورد انتقاد من و شاید اکثریت خاموش دیگر قرار داشته باشند، زیرا ایشان باوجود شناسایی قاتل، از پیگرد و سپردن قاتل به مراجع قانونی در زمینه خودداری نمودند، که این خودش نمایانگر شهرت طلبی وی می باشد، زیرا اگر مقصدش پیگرد قانونی قاتل می بود به نوشتن چند صفحه اکتفاء نمی کردند.

بعداً جناب شان متوجه شدند که با نوشتن کتابی در باره این موضوع، چندان شهرت قابل ملاحظه به دست نیاورند.

همان بود که راه های دیگری را جست و جو نمودند و شروع کردند تا ثابت نمایند که جریان قتل دلخراش احمد ظاهر، هنرمند مشهور و محبوب القلوب همه افغان ها، آنگونه که به اجرا درآمده بود، حقیقت نداشته و توسط کمونستان لعین به قتل نرسیده، بلکه مرگش یک حادثه ترافیکی بود، شاید اشخاصی که وبسایت ها را تعقیب می نمایند، سفسطه گویی های ایشان را در این مورد تعقیب نموده باشند.

ایشان باز هم متوجه شدند که در این راه نیز به خطا رفته اند، و شهرتی کمائی نکردند، خواستند در مورد یک شخصیت بزرگ و ملی میهن، سردار محمد داوود شهید، آستین ها را بر زده و روی کاغذ را سیاه نمایند، در این مورد نیز به جز افتضاح؛ چیزی دیگری بدست شان نیامد که نیامد.

مدتی را خاموش ماندند، اما این چنین اشخاص که به خود بزرگ بینی و شهرت طلبی مشهور هستند، نمی توانند خاموشی اختیار نمایند و این مرتبه به تقلید از همان قصه مشهور که اگر می خواهی مشهور شوی برو مسجد را چتل کن، همین بود که این مرتبه گام سریع برای پیدا نمودن شهرت گذاشتند، و روانه شهر مزار شریف و زیارت حضرت علی کرم الله وجهه گردیدند.

چند روزی از نوشته ایشان در این مورد گذشت. (باید علاوه نمود که این مرتبه مضمون را از کس دیگر، تحت عنوان "**در زیارتگاه مزار شریف چه کسی خفته است**") نقل قول نمودند، اما بجز از دو سه هموطن ما که اشاره هائی در مورد نمودند، دیگر بزرگان خاموشی را ترجیح دادند. من کم سواد که مانند نویسندگان ورزیده و ماهر از سواد زیاد بهره ندارم و هم از محافظه کار بودن نفرت دارم، نتوانستم خود را در مقابل جفنگ گویی های آقای ملکیار که این مرتبه جناب شان به معتقدات مردم دست درازی نمودند، سکوت اختیار نمایم. زیارت مزار شریف تنها برای اهل تشیع، بلکه برای اهل تسنن نیز مقدس است.

این مکان مقدس سالانه زائرین زیادی را به خود جلب می کند، این مکان تنها از معتقدات مردم نمایندگی می کند، بلکه شامل عنعنه و کلتور نیز گردیده است. هلهله و سرور در روز نوروز و میله گل سرخ از جمله عنعنات مهم و پرجوش ماست که شهر مزار شریف مرکز و مهماندار آن می باشد. بعد از کودتای کمونیست های وطن فروش و خائن و عواقب بعدی ناشی از کودتا همه چیز از ملت افغان گرفته شد، برای مردم فقط همین جا ها و زیارتگاه های مقدس باقیمانده است، که حالا آقای ملکیار دست و آستین را برزده اند و می خواهند احساسات مردم را جریحه دار بسازند.

جناب ملکیار صاحب خواهشمندم که لطفاً به مقدسات و معتقدات مردم دست درازی نکنید و امید است که این مرتبه داستان زیارت حضرت علی کرم الله وجهه به داستان دنباله دار مانند داستان شهدای محبوب ما، یعنی شخصیت بزرگ و ملی میهن سردار محمد داوود خان شهید و هنرمند محبوب القلوب افغان ها، شهید احمدظاهر مبدل نشود.

جناب محترم موضوع زیاد است که شما را مصروف نماید، چرا جناب شما هیچ وقت در مورد اشخاص منفور و خائن وطن مانند تره کی، حفیظ الله امین، ببرک و نجیب قصاب قلم فرسایی نمی کنید. چرا در مورد مسائل و مشکلات روز افغانها و افغانستان، هیچ علاقه نشان نمی دهید؟ معتقدات ما را زیر سوال نبرید و بدین گونه به آبا و اجداد ما توهین نکنید.